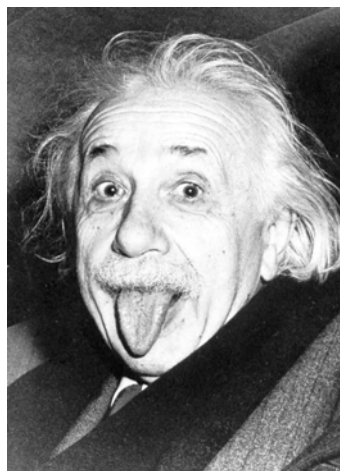


"خدا"، یک کلاهبرداری است! - حنیف معلم

"من نمی توانم خدایی را تصور کنم که همزمان آفریده های خود را عذاب و پاداش می دهد، خدایی که اهداف او از روی خود ما الگو برداری شده- یک خدا، به طور خلاصه، چیزی نیست به جز بازتابی از ضعف و ناتوانی انسان."
آلبرت انستین-فیزیکدان-برنده جایزه نوبل



در جستجو و تحقیقاتم در مورد خدا، به این نتیجه رسیدم که شواهد قطعی وجود دارد که نشان می دهد خدایی معروف به "خدا"، یک کلاهبرداری است! بله، خدا یک کلاهبردار است!

در پرسشهایی که از افراد گوناگون داشته ام، از انسانهای عادی یا افراد به اصطلاح "روحانی"، از آنهایی که در پرستشگاه ها، مشغول به عبادت خدایی بودند یا (به ظاهر) روشنفکرانی که تنها چیزی یا "خدایی" را در آسمان برای خود متصور می شوند (تنها برای اینکه آنجا باشد و وجود داشته باشد!)، در همه ی برخوردهای خود با این اشخاص، دریافتم که اینها تنها از روی شور و هیجان و بدون هیچ اندیشه یا منطق به "خدای خود باور دارند. -در واقع تنها از روی احساسات- همچنین دریافتم که بسیاری از مسلمانان و مسیحیان باورمند، هیچ گونه اندیشه، احساس و یا باوری را که با باورهای آنها متفاوت باشد را تاب نیاورده و در این مورد بسیار ناشکیبا هستند.

در واقع باورمندان متعصب مذهبی، هیچ گونه ابراز عقیده ضد یا متفاوت با آنها را نه تنها به هیچ عنوان تاب نیاورده، که به شدت هم به آن پرخاش می کنند و نمونه یا شاهد آن خشونت های بی رحمانه و پرخاشهایی است که نسبت به منتقدان مذهبی در طی دهه های اخیر روا داشته اند.

معمولاً آنتیستها و بی دینها هیچ گاه به شکل گروههای بزرگ گرد هم نمی آیند تا به شکل وحشیانه و خشمگینانه نسبت به یک امام مذهبی که از خدای خود تعریف کرده اعتراض کنند و نابودی او را بخواهند و این در حالی است که بسیار اتفاق افتاده که گروههای خشمگین انسانهای مذهبی نسبت به یک عکس، فیلم، کاریکاتور یا حتی انتقاد کوچک از سوی یک منتقد مذهب، واکنشهای شدیدی نشان می دهند. پس چرا آنها این کار را می کنند؟ خیلی ساده است؛ بسیاری از مذهبیان و باورمندان (به ویژه در میان مسلمانان و مسیحیان متعصب) دارای یک احساس برتری نسبت به دیگران هستند. آنها گمان میکنند که امتیاز یا حقی از سوی "خدا" به آنها داده شده تا دست به تنبیه یا موعظه آنانی که با خدا یا کتاب آسمانشان مخالفند بزنند.

"خدا" یک افسانه و فریب خطرناک است که توسط افراد نیازمند و کلاهبرداران شیاد برای کنترل و چاپیدن باورمندان و مومنان گول خور "اختراع" شد! "خدا"، بزرگترین دروغی است که تا به حال به سادگی به انسان قالب شده!



سه نکته و مسئله اصلی به ذهن من می‌رسد که نشانگر آنست که "خدا" چیزی به جز یک "اختراع ساده" نیست. نخست، افرادی که با شور و حرارت بسیار قوانین مذهب خود را موعظه می‌کنند. آنان که امر و تعیین می‌کنند که (با توجه به قوانین آنها) چه چیز گناه است و چه چیز گناه نیست؛ رهبران و اشخاص مذهبی -دینداران گناهکاری- که برآستی آنگاه که پرده‌ها فرو افتد و حقایق آشکار گردد، همه را از خود می‌رانند. دیندارانی که حتی نسبت به قوانین خود که از آن حفاظت می‌کنند گناهکارند. دورویی و فریبکاری‌های مخفیانه آنان در حدی است که هر انسانی را منزجر می‌کند.

دومین مشکلی که نسبت به مفهوم یا ایده "خدا" به ذهن می‌رسد، ضد گویی، ریاکاری و دورویی باورمندان است. بخش مربوط به "ریاکاری" و "دورویی" آنان، شبیه همان رهبران و قانونگذاران مذهب است که مفهوم "گناه" را تعیین می‌کنند اما حتی خود نسبت به همان قوانین هم گناهکارند فقط در این مثال دومی، این "دینداران" هستند به جای "دینفروشان" که قوانین خود را زیر پا می‌گذارند؛ بسادگی، آنان آنچه که اظهار می‌کنند باورهای آنان است و به آن اعتقاد دارند و قرار است آن را پیروی کنند زیر پا می‌گذارند. اما هنوز نسبت به دیگران نیز که دقیقاً عین همان کارها را انجام می‌دهند، ایراد می‌گیرند و به قضاوت می‌ایستند.

سومین و شاید مهمترین تناقض نسبت به ایده "خدا"، دانش مدرن است؛ همه‌ی ادعا‌های مذهبی، به سادگی توسط دانش مدرن رد می‌شوند. من در مورد دانش نادرستی مانند "فرضیه آفرینش" که توسط عده‌ای از مسیحیان ابداع شد تا به گونه‌ای آن را با "تئوری تکامل" در هم آمیزند و فرمول تازه‌ای ارائه دهند تا علمی به نظر برسد و به این وسیله از ممنوعیت آموزش "فرضیه آفرینش" در مدارس به عنوان علم جلوگیری کنند سخن نمی‌گویم. منظور من، دانش واقعی است. بسیاری از باورمندان به گونه‌ای در مورد قرآن، انجیل و تورات موضع گیری می‌کنند و سخن می‌گویند که گویی به کلی کامل، عاری از هرگونه خطا و اشتباه و لغزش نا پذیر است. حقیقت این است که قرآن، تورات و انجیل، سرشار از خطا و اشتباه و ضدگویی و تناقض است؛ به ویژه اشتباهات آشکار علمی و خطاها و تناقض‌های آشکار تاریخی که تنها سادگی و بی‌خردی نگارندگان آنها را در زمانهای پیشین بازتاب می‌دهد.

قرآن، انجیل و تورات، ادعا می‌کنند که کلام بی‌نقص و عالی خداوند است! که اگر چنان که ادعا می‌شود بود، پس باید هیچ گونه خطا و اشتباهی از هیچ نوع در آن یافت نمی‌شد. و اگر پس آنچنان که ادعا می‌شود نیست، پس این کتابها نمیتوانند و نایست در زمینه یزدان شناسی و از آن مهمتر تاریخ و علم مورد استناد قرار گیرند.



تناقضات در ادیان توحیدی، بسیار فراوانند؛ "خدا"، یک خدای بسیار کینه توز، به شدت خشن و انتقام جو است اما او از ما می خواهد که صلح جو باشیم! در عین حال، "خدا" یک موجود بسیار صلح جو است اما از پیروان خود می خواهد که برای دفاع و پشتیبانی از باور های خود به جنگ بروند و حتی اگر لازم است کشته شوند!

"خدا" یک موجود بسیار دانا و آگاه از همه چیز است- اما تا هنگامی که این دانشمندان کافر و بی دین از هر گوشه سر بر نیآورده بودند! "خدا" بر همه چیز آگاه است- اما تا هنگامی که کانال های تلویزیونی کفر آمیز و کفرگو، برنامه های علمی و مستند خود را در مورد حقایق هستی آغاز نکرده بودند!

گرچه، البته خود "ایمان" به سادگی و راحت به طور کامل از میان نخواهد رفت مگر اینکه یا تک تک "باورمندان" آگاه و با سواد شوند یا اینکه خودشان تا آخرین نفر یکدیگر را در جنگها نابود کنند!

عده ای از باورمندان می گویند که خدا همه ی گناهکاران را برای همه ی کارهای کفرآمیز و گناه آلودی که انجام داده اند مجازات خواهد کرد. در حالی که عده ای از همان باورمندان ادعا می کنند که خدا، آنها را به خاطر گناهایی که انجام داده اند خواهد بخشید چرا که عیسی مسیح (یا پیامبر دیگری) برای آمرزش گناهان آنها یک بار مرده و خون خود را داده است. و حتی برخی در واقع ادعا می کنند که آنها می توانند هرچه می خواهند در طول زندگیشان به طور نامحدود دست به گناه بزنند) و حتی برای اثبات این ادعا به وحی و حدیث و کتاب استناد می کنند) و آنگاه در لحظه مرگ به یک باره همه گناهان آنها بخشیده شده و آنها به بهشت راه می یابند! چه خوب!

حتی ایده ی "بهشت" یک مفهوم پوچ، یاوه و نامعقول است. بسیاری از مسلمانان و مسیحیان، بهشت را محلی برای خوشی و آرامش جاوید و ابدی توصیف می کنند. که البته تنها مسلمانان و مسیحیان راستین و باورمند به آن راه میابند و گاهی هم حتی حیوانات خانگی آنها!

و آن بهشت برآستی چه جای خسته کننده و بیهوده ای است! به راستی چه کسی می خواهد پس از همه ی چیزهایی که در زندگی یاد گرفته و توانایی هایی که بدست آورده، بقیه زندگی خود را (تا ابد!) به نوشیدن شراب و لاس زدن و عشق بازی با دختران یا پسران باکره بهشتی بگذراند؟! حتی بهترین، زیباترین و راحت ترین شرایط زندگی هم برای مدت طولانی خسته کننده و کسالت آور است و هر انسانی نیاز به تنوع و نوآوری در زندگی دارد. حتی عیاش ترین و مفتخور ترین آدمها یعنی همان ملاها و کشیش ها هم پس از یکی دو هفته غلت زدن در جوویارهای شراب و عشق بازی با باکره های بهشتی خسته خواهند شد!

بهشت موعود مسیحیان، خسته کننده ترین جایی است که من می توانم تصور کنم، جایی که تمامی آنچه که در زندگی یاد گرفته ام و توانایی های فکری و توان اندیشه ام به هدر خواهد رفت چرا که ساکنان بهشت دیگر نیاز ندارند تا حتی در مورد چیزی فکر کنند.

بهشت مسلمانان از دیگر سو، گمان می‌کنم که جای جالبی باشد! در آنجا احتمالا پر است از تعداد بی شماری از روسپی های باکره! چرا که به آنها وعده داده شده هر کس که به خاطر الله خودش را منفجر کند و بترکاند، هفتاد و دو دختر باکره در بهشت به او خواهند داد! (و احتمالا به دخترها یا پسرهای همجنسگرا، هفتاد و دو پسر باکره!!) پس اگر در بهشت به ازای هر یک نفر که خودش را برای الله منفجر کرده، هفتاد و دو روسپی باکره موجود باشد...چه جای با حالی است بهشت مسلمان ها!!..

البته گنجایش وعده بهشت به مسلمانها کمی محدود تر است چرا که حتما روسپی های بهشتی خسته خواهند شد از سکس و عشق بازی با مسلمانان ریشویی که مجبورند برای داشتن سکس خودشان را منفجر کنند!!



یهودیت البته وقت کمتری برای توصیف بهشت صرف کرده و یهودیان زیادی هستند که حتی ایده ی درستی از این که بهشت چه جور جایی است، ندارند! و این در هم برهم بودن داستان "بهشت" در میان یهودیان، باعث پیدایش کمترین های یهودی بسیاری شده است!!

نکته اصلی اینجاست؛ -همانطور که در نقل قولی که در آغاز نوشته از انستین آوردم به آن اشاره شد- بسیاری از مردم، خود آن خدای ایده آل خودشان را با شخصیت های انسانی برای خویش ساخته اند. بسیاری از خداهای ساخت بشر حتی دارای آلت تناسلی بسیار بزرگی توصیف شده اند! و شاید عادت زانو زدن در مقابل خدا به هنگام نیایش هم از همینجا سرچشمه گرفته باشد!!
خواهش می‌کنم برای یک لحظه هم که شده- از زاویه بازتری به این موضوع بنگرید تا تمامی پوچی نهفته در پس این تئوری ها را مشاهده کنید.
باورمندان همه به اتفاق بر این باورند که خدا موجودی کامل است اما در همان کتابهای مقدس شواهدی موجود است برای اشتباهات و نقاط ضعفی که همان "خدا" -بدتر از هر انسان احمق و بی خردی- مرتکب شده است.

آتنیستها از سوی دیگر به طور کلی "خدا" یا هر آنچه مرتبط با "خدا" و مذهب های اختراع کننده "خدا" هست را رد میکنند و به جای آن به دانش و خرد روی می‌آورند. پس آیا هیچ جای تعجبی باقی می‌ماند که آتنیستها زندگی به مراتب زیباتر، شادمانه تر، سالم تر و پر بارتری نسبت به هر انسان مذهبی دارند؟

در آینده ای نه چندان دور، آنتیستها سررشته ی همه امور زندگی را در دست خواهند گرفت، باور به یک "خدا" به طور کلی ناپدید خواهد شد و بقیه مردم نیز -به پیروی از آنتیستها- به دانش روی خواهند آورد.

گناهکاران واقعی در راستی آنانی هستند که ریشه ی نفرت را کاشته و آن را در جهان جاودانه کرده اند؛ نفرتی که در واقع همه به طور طبیعی از "دین" سرچشمه می گیرد.

"مذهب" در واقع یک شکلی از اغفالگری یا فریب عمومی یا حداقل یک آرمان گرایی و خیالپردازی توهم گونه است. جنگ و خونریزی به نام "خدا" در واقع به همان اندازه پوچ و نامعقول است که جنگیدن برای "بابا نوئل" یا "پری های دریایی".

من می توانم تصور کنم همه ی آنهایی که در جنگ های مذهبی کشته اند و کشته شده اند، تنها به این می اندیشیدند که طرف مقابل اهریمن است و باید نابود شود و آنان برای این کار نیکی که به خاطر "خدا"یشان انجام می دهند به بهشت خواهند رفت!

در واقع همه ی جنگها و خونریزی ها در پیوند با بهشت است و صلح در پیوند با جهنم!

"خدا" .. یک فریب و "کلاهبرداری" است.

حنیف معلم



Sir Richard Dawkins.